

غزالی و اندیشه اشعری در عصر سلاجقه: تأثیر فکر زیبایی‌شناسی غزالی بر مبانی هنر اسلامی

چکیده

نیمه سده پنجم تا اوایل سده ششم هجری، از جهت فراوانی علما و کثرت تألیفات و رشد و گسترش هنر اسلامی عصری ممتاز است. با افول حکومت آل بویه و روی کار آمدن سلجوقیان، مکتب معتزله تضعیف و اندیشه اشعری گسترش یافت. اما با وزارت نظام‌الملک و ایجاد مدارس نظامیه، اندیشه اشعری تحول یافت. تفکرات غزالی و نظام‌الملک در این دوره تغییراتی در مبانی اندیشه‌ای و همچنین مبانی زیباشناسی هنر را پدید آورد. تجلی این تغییر در ساخت مدارس، کاروان‌سراها و رباط‌ها هویدا شد. بستر و زمینه مبانی نظری زیباشناسی غزالی در تألیف آثار و بیان مباحث زیباشناسی به فراخور بحث در تأملات کلامی، اداری و اجتماعی او قابل‌پیگیری است. کتاب‌های احیا علوم‌الدین، کیمیای سعادت و نصیحه الملوک از مصادیق خلاقیت و تفکر او در توجه به مفاهیم زیباشناسی و هنر است. در این آثار، غزالی به‌عنوان یک مجدد دینی، به دنبال احیای علم دین، سعادت بشری و توجه به زیباشناسی پدیده‌ها و نشان دادن وجوه هنری کنش‌های انسانی و نظام اجتماعی است. این توجهات و تأملات غزالی می‌تواند تأثیر خود را بر هنر اسلامی از طریق گسترش جریان اشعری‌گری در جامعه نشان دهد. از این‌رو، مسأله این تحقیق، شناخت و تحلیل تأثیر تفکر زیباشناسی غزالی بر مبانی هنر اسلامی است که با استفاده از شیوه تبیین تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، با مراجعه به آثار غزالی بررسی می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش غزالی در گسترش و دگرگونی جریان اشعری در دوره سلجوقی.
۲. بررسی دیدگاه غزالی درباره مبانی زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. غزالی در گسترش و دگرگونی جریان اشعری در دوره سلجوقی چه نقشی داشت؟
۲. غزالی چه دیدگاهی در خصوص مسئله زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی دارد؟

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان، زیباشناسی، هنر اسلامی، غزالی.

مقدمه

با تضعیف حکومت آل بویه در اوایل قرن پنجم، فرقه کلامی معتزله هم دچار تغییراتی شد و زمینه تحول در مباحث هنری و معماری اسلامی پدید شد. این تحولات، باعث روی کار آمدن سلجوقیان شد و اندیشمندانی چون نظام‌الملک، امام محمد غزالی و... ظهور پیدا کردند و زمینه لازم برای گسترش مبانی زیباشناسی در هنر اسلامی هم میسر گردید. اگرچه مکتب عقل‌گرای معتزله تضعیف و گرایش به نقل زیاد شد، اما نگرش سلجوقیان، نظام‌الملک و غزالی به نوع خاصی از معماری و ساخت مدارس و تأثیر فکر زیباشناسی بر مبانی هنر اسلامی پدیدار گشت. هنر آجرتراشی و تزئین بناها با آجرهای تراشیده شده از قرن پنجم هجری در ایران معمول و تا اواخر قرن ششم کامل گردید.

سلجوقیان در به‌کارگیری گنبد دو پوسته تلاش زیادی داشتند و نوع جدیدی از پایه را برای آن در نظر گرفتند. علت به وجود آمدن گنبد دو پوسته، فضای داخلی و قالب خارجی بود. نمونه چشمگیر در این مورد، گنبد مسجد جامع اصفهان است. بنای مدارس، مساجد و آرامگاه‌ها با معماری جدید در سرتاسر امپراتوری سلجوقی گسترش پیدا کردند و دارای ویژگی‌هایی بود که ریشه ایرانی داشت از جمله صحن چهار ایوانی. معروف‌ترین مدارس، مدرسه نظامیه بغداد است و نیز در اصفهان، نیشابور، بلخ، بصره و... از دیگر بناهای مذهبی بناهای آرامگاهی بودند که در این دوران ساخته شدند. معماری غیرمذهبی نیز هم‌گام معماری مذهبی بکار می‌رفت. معماری غیرمذهبی رایج در دوره سلجوقیان کاروانسرا است که دارای صحن بزرگ و چهار ایوان است. این دوره را دوره «توازن و تعادل» معماری ایرانی می‌نامند که از تجارب پیشین بهره می‌گرفت و الگوهای تازه‌ای برای آینده پدیدار نمود. در اواخر عهد سلجوقی تزئینات گچ‌بری و رنگ اهمیت زیادی یافت.

کاشی لعابدار فیروزه‌ای در تزئین معماری مساجد، مدارس، برج‌ها و مقبره‌ها به‌کار گرفته شد. از مساجد ایران در این دوره، می‌توان به مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان، مسجد جامع گلپایگان، مسجد جامع قزوین و از مدارس، مدرسه خارجرد را نام برد. از بناهای غیرمذهبی می‌توان رباط شرف، رباط انوشیروان، رباط ملک (سمرقند بخارا) و از برج‌ها و مقابر این دوره که به شکل تپه ساخته شده‌اند، و دو طبقه بوده‌اند، مقابر دایره شکل سه گنبد در ارومیه و برج مدور مراغه و از مقابر نقشه ترک‌دار، مقبره پیر، گنبد سرخ و گنبد علویان و از مقابر چند ضلعی، گنبد علی در ابرقو، گنبد کاست در مراغه و از برج‌ها، برج دماوند، برج غربی و شرقی خرقان و برج مهماندوست را می‌توان نام برد. انواع متنوعی از سفالینه‌ها، کمی پس از روی کار آمدن سلجوقیان در ایران ظاهر شد. مراکز عمده آن در ری و کاشان بود. در اواسط همان قرن، لعاب‌کاری رنگی به وجود آمد که معمولاً به‌رنگ فیروزه‌ای یا آبی تیره بود. سفالینه‌های زرین‌فام نیز در خلال قرن ششم به وجود آمدند.

تلاش این تحقیق، پرسش از نقش غزالی در تفکر زیباشناسی و مبانی هنر اسلامی است که مبتنی بر آثار غزالی این امر تبیین و بررسی می‌شود. غزالی یکی از اندیشمندان جهان اسلام است که به‌رغم شهرت به فلسفه‌ستیزی و

تهافتِ فلاسفه، در احیای اندیشه‌های اسلامی و نیز انس عقل و دل یا شریعت و تصوف نقشی بی‌بدیل دارد. تأمل بر افکار و اندیشه‌های غزالی و نگارش او در احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، مشکاة الانوار، نصیحة الملوک و مقصدالاسنی فی شرح اسماء درباره هنر، زیبایی و خیال و ذوق است که این مباحث از اصول فلسفه هنر و زیباشناسی محسوب می‌شوند. تأثیر و نقش غزالی در اندیشه اسلامی از یک سو و در عین حال حملات سخت و تند علیه فلسفه ستیزی او که خوشایند عقل‌ستیزان بود، از سوی دیگر محصول دو نظر متفاوت به آثار و احوال وی می‌باشد.

برخی غزالی را از دریچه احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، نصیحة الملوک و اعترافات صادقانه در المنقذ من الضلال و دیگر آثارش نگریسته‌اند که تأثیر برانگیز و در تاریخ اندیشه، نهضت‌آفرین بوده است. برخی رویکرد غزالی را که در تهافت الفلاسفه منعکس شده و در آن به نظریات ابن‌سینا، اخوان‌الصفا و فارابی حمله می‌کند را نمی‌پسندند و همچنین عملکرد او را در توجیه رفتارهای ناپسند حاکمان و سکوتش در حمله صلیبیان از سوی کسی که لقب امام و حجت‌الاسلام یافته را مردود می‌شمارند.

با تأمل بر آراء غزالی و تأثیرگذاری آن در تولید آثاری از وی همچون: احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، مشکوة الانوار و مقصدالاسنی فی شرح اسماءالحسنی درباره هنر (فن)، بازتاب زیبایی به ویژه ذوق وی است که همه از بنیادهای اصلی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند. بابتی مستقل و وسیع در باب موسیقی، هم در احیاء علوم‌الدین و هم در کیمیای سعادت، نگاشتن تأملات غنی درباره جمال و زیبایی در احیاء علوم‌الدین ارائه کرده است. غزالی لطایفی در کارکرد زیباشناسی هنر اسلامی و رویکرد نفیسی بر مصداق‌های هنری بیان داشته و مهم‌تر، استناد به مثال‌های هنری چون نقاشی چینیان و رومیان، از جمله مشخصات و نظرات غزالی و کارکردهای فلسفه هنری و زیباشناسی بر مبانی هنر اسلامی که در آثار او تبلور یافته است.

با توجه به اینکه هر تمدنی افزون بر عناصر فرهنگی و دستاوردهای معرفتی و علمی به روش‌های سیاسی، اداری و اقتصادی نیاز دارد تا به کمک آنها بتواند امنیت اجتماعی و اقتصادی و سعادت مادی و معنوی جامعه را تأمین نماید لذا خلق آثار و تفکر زیبایی‌شناسی و هنر یکی از مظاهر تمدن است که از اهمیت خاصی برخوردار است. درباره مفهوم هنر معانی زیادی وجود دارد. همه زیبایی‌های مصنوع بشر، از استعداد و نبوغی حکایت دارد که خاستگاه همه آنها ذات باری تعالی است. انس عاشقانه با نمادهای زیبای موجود در گیتی از این روست که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

در تعریف هنر باید گفت که عبارت است از خلق زیبایی قابل درک برای احساسات و تفکرات بشری. هنر فعالیتی است که زیبایی را نمودار می‌سازد، به بیان دیگر، هنر وسیله‌ای است برای انتقال احساسات بشری (رضایی منش، ۱۳۸۰: ۵) در تعریف مفهوم زیباشناسی باید گفت که زیبایی‌شناسی به‌عنوان نظریه تفکر در داوری‌های زیبایی‌شناختی و چیستی زیبایی و نسبت آن با درک آدمی تعریف می‌شود. زیبایی‌شناسی Aesthetics تأملی است انسانی بر چیستی زیبایی و نسبت آن با ادراک وی. زیبایی‌شناسی یک رویکرد ذاتی بشری است، و می‌تواند بر روح

و اندیشه انسان اثر بگذارد. بنابر این، در این پژوهش به دنبال هنر و هنرمندی غزالی نیستیم، بلکه نقش آثار او در شناخت مفاهیم و مباحث زیباشناسی و مسأله این تحقیق، شناخت و تحلیل تأثیر فکر زیباشناسی او بر مبانی هنر اسلامی است. این امر با بهره‌گیری از روش تاریخی مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

نتیجه‌گیری

غزالی لطایفی در کارکرد زیباشناسی هنر اسلامی و رویکرد نفیسی بر مصداق‌های هنری بیان داشته و مهم‌تر، استناد به مثال‌های هنری چون نقاشی چینیان و رومیان، از جمله مشخصات و نظرات غزالی و کارکردهای فلسفه هنری و زیباشناسی بر مبانی هنر اسلامی که در آثار او تبلور یافته است. با تأمل بر آراء غزالی و تأثیرگذاری آن در تولید آثاری از وی همچون: احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، مشکوٰۃ الانوار و مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی درباره هنر (فن)، بازتاب زیبایی به ویژه ذوق وی است که همه از بنیادهای اصلی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند. او بابتی مستقل و وسیع در باب موسیقی و نگاشتن تأملات غنی درباره جمال و زیبایی در احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت ارائه کرده است. غزالی مفهوم ذوق و خیال زیباشناسی را از زبان عوام گرفته و در راستای مقصود خود به کار برده است.

او ذوق را محل تلاقی فهم و عمل می‌داند. حقایق زیباشناسی که غزالی در کتاب احیاء علوم الدین بیان می‌کند ارتباطی با گفتن و استدلال کردن ندارد، چرا که او استاد است و توجهات او مربوط به عمل است و در قالب کلام و واژه نمی‌گنجد. بنابر این، تفکرات او نقطه محوری در بحث تحولات است. غزالی با مطالعه علمی پیشینیان و با درک تحولات زمانه، اقدام به تعیین چهارچوبی کرد که در آن اولویت بندی نیازهای اجتماعی، دینی و مفاهیم زیباشناسی در تألیف برآورده شد.

با توجه مباحث بیان شده، هر تمدنی افزون بر عناصر فرهنگی و دستاوردهای معرفتی و علمی به روش‌های سیاسی، اداری و اقتصادی نیاز دارد تا به مدد آنها بتواند امنیت اجتماعی و اقتصادی و سعادت مادی و معنوی جامعه را تأمین نماید، لذا نگرش زیباشناسی در ساخت بناها و معماری یکی از مظاهر تمدن است که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. غزالی با رهنمودها، خلق آثار و بیان مباحث و مبانی زیباشناسی در آثار خود، این تفکر را به هنرمندان و معماران جامعه القاء کرد و با مشاوره و مکاتبه با سلاطین سلجوقی و خلفای عباسی این ایده را پدید آورد تا در شکل‌دهی و ایجاد بناها، مدارس نظامیه، مساجد و کاروان‌سراها نقش زیادی ایفا نمایند. از مهم‌ترین مکاتب این دوره، می‌توان به مکتب خراسان و موصل اشاره کرد که جز مراکز مهم هنر و صنعت دوره سلجوقیان به ویژه فلزکاری هستند.

در عصر سلجوقی بر مبنای تفکر اشعریان و مشاوره غزالی و خواجه نظام‌الملک، هنر جدیدی پدید آمد، هنری که خود را در بناهای جدید به نام مدرسه نشان می‌دهد. بنای مدرسه از چهار تالار گنبددار که به صحنی مرکزی راه دارند، تشکیل می‌شود به گونه‌ای که همین نقشه را در مساجد جدید شاهد هستیم. نمود این هنر جدید در اصفهان

یکی از پایتخت‌های مورد علاقه سلجوقیان، شکوفا شد، شهری که ملک‌شاه در سال ۴۸۱ هجری، مسجدی در آن بنا کرد. تزئینات مسجد شامل پوششی از سفال، آجرها و کاشی‌های لعابدار با طرحی از گل‌هاست.

در نهایت باید نتیجه گرفت که با تدابیر و تلاش غزالی، محدوده جغرافیایی اندیشه اشعری بر مبانی زیبا شناسی هنر اسلامی از خراسان و ماوراءالنهر، از غرب تا مغرب، تونس و اندلس، از جنوب تا دریای سرخ توسعه یافت. با تبلور آثار غزالی در تدریس و تربیت شاگردان، توانسته نقش اساسی در جامعه اسلامی ایفا نماید. کتب احیا علوم الدین، کیمیای سعادت و نصیحه الملوک غزالی از مصادیق او در تغییر نگرش در مبانی زیباشناسی در هنر اسلامی است. او در کتاب احیاء علوم الدین به عنوان یک مجدد دینی، به دنبال احیای علم دین است. در تاریخ تفکر اسلامی، عنوان این کتاب، مبدل به یک سرمشق و یک طرح دینی شده و هر بار که متفکران بزرگ اسلامی به دنبال احیای علوم دین برآمده اند، به این کتاب نظر داشته اند.

فهرست منابع و مآخذ:

- آدام متر. (۱۳۸۸). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- آریا، غلامعلی. (۱۳۸۲). تاریخ فرق اسلامی و مذاهب کلامی، تهران: پایا.
- احمدیان، عبدالله. (۱۳۹۲). سیر تحلیلی کلام اهل سنت (از حسن بصری تا شیخ ابوالحسن اشعری)، تهران: احسان.
- استانلی، لین پول. (۱۳۸۹). تاریخ طبقات سلاطین اسلام، ترجمه: عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۱). الکامل فی التاریخ، ترجمه: ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۳۶۴). وفيات الأعيان و الانباء الابناء الزمان، ترجمه: عباس احسان، ج ۳، قم: شریف رضی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۷۵). مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____. (۱۳۶۳). تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن عساکر. (۱۳۴۷ق). تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری، دمشق.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۸ق). البدایة و النهایة، تحقیق علی شیر، ج ۱۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اشعری، امام ابوالحسن. (۱۹۹۱م). الابانه فی اصول الدیانه، الطبعة الاولى، دارالقادری، بیروت: لبنان.
- _____. (۱۹۵۳م). اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع، به کوشش ریچارد جوزف مکاریتی، بیروت: دارالکتب.

----- (۱۳۶۹ق). مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق: محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۱، قاهره
مکتبه النهضه المصریه.

ان.ک. س. لمبتون. (۱۳۶۶). ساختار درونی امپراطوری سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج ۵، گردآورنده جی. آ. بویل،
ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

_____. (۱۳۹۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشرنی.
اورمزی، اریک لین. (۱۳۹۵). غزالی احیاگر اسلام، ترجمه: محمدرضا مرادی طادی، تهران: نشر علم.

برخورداری، رمضان. (۱۳۹۵). «تبیین دیدگاه زیبایی‌شناسی غزالی و دلالت‌های آن در تربیت زیبایی‌شناختی».
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی، تهران.

بدوی، عبدالرحمن. (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، ترجمه: حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی،
بکار، عثمان. (۱۳۸۶). تاریخ و فلسفه علوم اسلامی، ترجمه: محمدرضا مصباحی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
بوهلال، محمد. (۱۳۹۴). اسلام اهل کلام، ترجمه: علیرضا باقر، تهران: نگاه معاصر.

بغدادی، عبدالقاهرین طاهر. (۱۳۸۸). الفرق بین الفرق، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: گویا.
بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۹). خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی، تهران: مؤسسه تألیف و نشر آثار
هنری فرهنگستان هنر.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۲). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.

_____. (۱۳۹۳). فرار از مدرسه، تهران: امیرکبیر.

_____. (۱۳۹۶). کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.

راوندی، مرتضی. (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱۰، تهران: نگاه.

ریاضی، حشمت‌الله. (۱۳۹۳). برفراز عقل و عشق، تهران: نشر علم.

حمیدی پارسا، مهدی. (۱۳۹۸). «بررسی رابطه حسن و عشق و هنر از منظر شیخ احمد غزالی». آیین حکمت،
شماره ۴۰، ۱۵-۱.

سبکی، عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی. (۱۹۹۲م). طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق: عبدالفتاح محمد حلو و محمود
محمد طناحی، جیزه: هجر للطباعة والنشر والتوزیع والاعلان.

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۹۵۲م). تاریخ الخلفاء، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، قاهره: (بی نا).
شبلی نعمانی، محمد. (۱۳۸۶). تاریخ علم کلام، ترجمه: سید محمد تقی فخرداعی، تهران: اساطیر.

شیخ‌الاسلامی، اسعد. (۱۳۸۷). سیری اجمالی در اندیشه‌های کلامی معتزله و اشاعره، تهران: سمت.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۷۳). الملل و النحل، تحقیق: محمدرضا جلالی نائینی، تهران: اقبال.

صابری، حسین. (۱۳۹۱). تاریخ فرق اسلامی، فرقه‌های نخستین مکتب معتزله، تهران: سمت.

طوسی، خواجه نظام الملک. (۱۳۹۳). سیرالملوک (سیاست‌نامه) به کوشش جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
فاخوری، حنا و خلیل الجر. (۱۳۷۸). تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

فروزش، سینا. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در تاریخ میانه ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۸). سیمای غزالی از منظر موافقان و مخالفان، ترجمه: فرزاد حاجی میرزایی، تهران: احسان. علی‌پور، رضا؛ صولتی، اعظم. (۱۴۰۰). «بررسی مفهوم زیبایی در کتاب کیمیای سعادت غزالی». هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی.
غزالی، محمد. (۱۳۹۳). احیاء علوم‌الدین. ترجمه: سید ناصر طباطبایی، تهران: مولی.
غزالی، محمد. (۱۴۰۰). کیمیای سعادت. ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: نگاه.
غزالی، ابوحامد. (۱۳۸۹). نصیحة‌الملوک، به کوشش قوام‌الدین طه، تهران: جامی.
_____ . (۱۳۶۳). تهافت‌الفلاسفه، تهران: زوار.

_____ . (۱۳۹۲). احیاء علوم‌الدین، ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.

_____ . (۱۳۹۳). المنقذ من الضلال، ترجمه: سیدناصر طباطبایی، تهران: مولی.
_____ . (۱۳۹۲). احیاء علوم‌الدین، ترجمه: مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.

_____ . (۱۳۸۹). مشکاة الانوار، ترجمه: سید ناصر طباطبایی، تهران: مولی.
_____ . (۱۳۸۹). کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.

کاخانی، احسان. (۱۳۹۹). «بررسی دو مقوله از آرای غزالی درباره معماری در آینه کتاب احیاء علوم‌الدین تزئین و تجمل: مواد و مصالح». صغه. دوره ۳۰، شماره ۲، ۱۶-۵.

کلوزنر، کارلا. (۱۳۸۱). دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
کرمی، میثم. (۱۳۹۳). غزالی‌شناسی، تهران: حکمت.

محمدی، کاظم. (۱۳۹۲). غزالی در جستجوی حقیقت، چاپ سوم، کرج: نجم کبری.
محمدی وایقانی، کاظم. (۱۳۸۲). غزالی در جستجوی حقیقت، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). کلام در مجموعه آثار، ج ۳، تهران: صدرا.
مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی. (بی‌تا). خطط المقریزیه، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
موسی، جلال محمد. (۱۹۸۲ م). نشاء الاشعریه و تطورها، بیروت: دارالکتب اللبنانی.

مونس، حسین. (۱۳۹۲). تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تهران: سمت و آستان قدس رضوی. میرلوحی، پریم. (۱۴۰۲). «هنر متعالی و مخاطب هنر والا از منظر امام محمد غزالی». کیمیای هنر، شماره ۴۸، ۸۵-۹۵.

مینوی، مجتبی. (۱۳۸۹). «غزالی طوسی»، گزیده مقالات غزالی شناسی، به اهتمام میثم کرمی، تهران: حکمت. ناصری طاهری، عبدالله. (۱۳۹۱). تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۷). غزالی‌نامه، تهران: هما.

----- (۱۳۸۶). تحلیلی از خرد ورزی و دین‌داری امام محمد غزالی (نقد غزالی)، تهران: نگاه.

وات ویلیام منتگمری. (۱۳۸۰). فلسفه و کلام اسلامی، مترجم: ابوالفضل عزتی، تهران: علمی و فرهنگی.

یافعی، ابومحمد عبدالله بن اسعد. (۱۳۳۷). مرآة الجنان و عبرة الیقظان، حیدرآباد.

یعقوبی، ابی واضح احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۴). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.